

مجسمه زئوس



آتن در یونان، شهری تاریخی به نام المپیا در یکصد و پنجاه کیلومتری غرب اولیه بازی‌های المپیک بوده و اصلاً نام این قرار دارد، شهری که جایگاه (Olympia) مقام بازی‌های المپیک در ایام باستان همین بازی‌ها از آن گرفته شده است. در ارزش و ورزشکاران از آسیای صغیر، سوریه، مصر بس که در مدت بازی‌ها جنگ‌ها متوقف می‌شد به شهر المپیا می‌آمدند (Zeus) و جز این‌ها برای مسابقه و پرستش زئوس

که بازی‌های المپیک از سال ۷۷۶ قبل از میلاد آغاز پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد از میلاد معبد زئوس توسط معماری بنام لیبون شده است و بعدها در سال ۴۵۰ قبل ساده و با معماری معمولی یونان ساخته شد، ساخته شد. نیایشگاه زئوس بسیار (Libon) بزرگی زئوس در پرستشگاه ترسیم شود. راه حل از این رو لازم بود تا به نوعی عظمت و تندیس سازی به نام فی دیاس چیزی نبود جز یک تندیس با عظمت از زئوس، مسوول ساخت این تندیس با شکوه شد (Pheidias)

بزرگ از طلا و عاج را داشت. کارگاه تندیس سازی او فی دیاس تجربه ساخت تندیس‌های آنجا قطعات تندیس زئوس را ساخت و پس از پایان هنوز در المپیا موجود است، او در هم سوار کرد ساخت قطعات در نیایشگاه آن‌ها را روی

ورزشکاران و بازدیدکنندگان از سراسر دنیا بود. در برای سال‌ها معبد زئوس محل جذب قصد آنرا (Galigula) امپراتورهای روم به نام گالیگولا سده‌ی نخست میلادی یکی از رم ببرد. اما در میان راه چهارچوب‌هایی که برای حمل داشت که این تندیس زیبا را به خساراتی هم به تندیس وارد شد، بعدها این معبد و تندیس ساخته بودند شکست و یونانیان بازسازی شد تندیس زئوس در سده دوم میلادی توسط

بازی‌های (Theodosius I) امپراتور یونان تئودوسیوس اول در سال ۳۹۱ پس از میلاد، درب‌های معبد زئوس را به روی همه بست. او بازی‌های المپیک را المپیک را ممنوع کرد و شرک می‌دانست. پس از آن باران، زمین‌لرزه و غیره آسیب‌های جدی تمریناتی برای کفر و کرد تا اینکه قبل از قرن پنجم میلادی یکی از ثروتمندان یونان به نیایشگاه زئوس وارد که - (Constantinople) به شهری بنام کنستانتینوپل تندیس زئوس را از معبد استانبول است - برد امروز جزو خاک ترکیه و حوالی

سالم نگهداری شد، تا اینکه در این سال در یک 462 تندیس زئوس در این شهر تا سال نوشته‌های به جا مانده از یونان باستان آمده است آتش سوزی بسیار بزرگ تخریب شد. در بسیار بزرگ است و با اینکه تندیس، زئوس را در حالت که "با وجود آن که نیایشگاه زئوس

تقریباً به سقف چسبیده است. ما نگران هستیم اگر نشسته نمایش می دهد اما سر تندیس
"درهم خواهد شکست چنانچه روزی زئوس بخواهد بایستد، سقف

متر بود و سطح مجسمه به ابعاد ۶.۵ در ۱ متر جای داده 13 ارتفاع تندیس زئوس حدود
تندیس زئوس را در مراسم گوناگون با زیورآلات خاصی آرایش می می شد، یونانیان باستان
عظمت و زیبایی این تندیس جهان گرد معروف یونانی پاسانیاس کردند. در ارتباط با
روی سر این تندیس تاجی از برگ زیتون قرار داشت و در " می نویسد (Pausanias)
در دست چپ او عصای سلطنتی که مینا کاری شده بود ... دست راست او نشان پیروزی
بود. کفش هایش طلا بود و لباس هایش از پوست و روی عصا یک عقاب از طلا نشسته
از زر، چوب آبنوس و عاج فیل ساخته شده حیوانات و گل یاس و ... تخت پادشاهی او
بود."

معبد آرتمیس

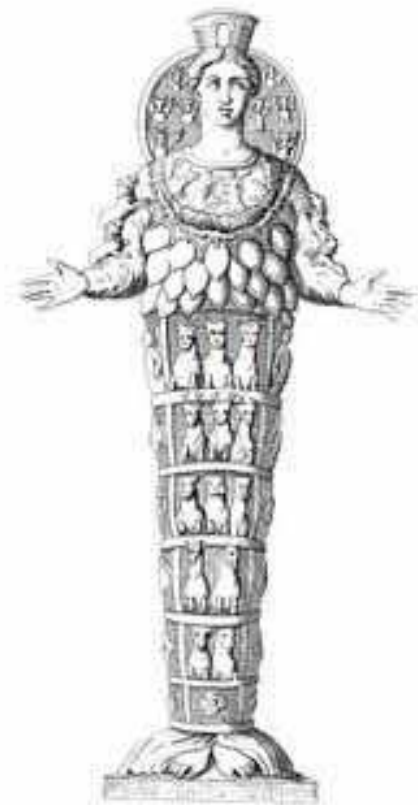


معبد آرتمیس در شهر افه سوس (Ephesus) در حدود ۵۰ کیلومتری شهر ازمیر
(Izmir) ترکیه قرار داشته است. این معبد به عنوان زیباترین بنای روی زمین شناخته

می شده است و به همین دلیل در میان عجایب هفت گانه جا دارد .

هرچند که زیربنای باقی مانده از این معبد، تاریخ ساخت آن را قرن هفتم قبل از میلاد مشخص می کند، اما راه یافتن معبد آرتامیس در فهرست عجایب هفت گانه به حدود ۵۵۰ قبل از میلاد مربوط می شود. این بنا که به آن معبد بزرگ مرمین گفته میشود، توسط کروسوس (Croesus) شاه لیدی به کرسیفون (Chersiphron) معمار یونانی سفارش داده شد. معبد با مجسمه های برنزی که توسط ماهرترین مجسمه سازان آن زمان ساخته شده بودند تزئین شده بود. هنرمندانی نظیر فیدياس (Pheidias) ، پلی کلیتوس (Polycleitus)، کرسیلاس (Kresilas) و فرادمون (Phradmon).

معبد آرتامیس هم به عنوان یک محل داد و ستد کالا و هم به عنوان آموزشگاه مذهبی مورد استفاده قرار می گرفت. در طی سال ها، بازرگانان، جهان گردان، صنعت گران و پادشاهان از این محل مقدس دیدن می کردند و احترام خود را با آوردن هدایای مختلف ابراز می نمودند. تحقیقات اخیر باستان شناسی به یافتن تعدادی از این هدایا که شامل مجسمه های طلا و عاج آرتامیس، گوشواره ها، دستبندها و گردنبندهایی زیبا، اثر صنعت گران پارس و هند هستند، منجر شده است .



در شب ۲۱ جولای سال ۳۵۶ قبل از میلاد، مردی به نام هروستراتوس (Herostratus) برای جاودانه کردن نام خود در تاریخ، معبد را آتش زد و در واقع به هدف خود دست یافت. عجیب این که اسکندر کبیر هم در همین شب متولد شد. بنا به گفته پلوتارک (Plutarch) تاریخ نگار، در آن شب آرتمیسیس چنان درگیر مراقبت از زاده شدن اسکندر بود که نتوانست از معبد خود محافظت کند.

اسکندر پس از فتح آسیای صغیر اقدام به ساخت مجدد معبد کرد که تا بعد از مرگ وی در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، همچنان در دست ساختمان بود. در قرن اول پس از میلاد، هنگامی که سنت یل برای تبلیغ مسیحیت به افسوس سفر کرد، با عده زیادی از پیروان آرتمیسیس مواجه شد که به هیچ وجه قصد ترک الهه خود را نداشتند. در سال ۲۶۲ میلادی معبد توسط قبیله گوت **Goths** مجدداً ویران شد. اهالی شهر قسم خوردند تا آن را مجدداً بنا کنند. در قرن چهارم میلادی، بیشتر اهالی افسه سوس به مسیحیت گرویده بودند و معبد شکوه و جلال خود را از دست داده بود. اهالی افسه سوس پس از آخرین تهاجم

منجر به ویرانی معبد در سال ۴۰۱ میلادی، کم کم شهر را ترک کردند و این شهر متروک در اواخر قرن ۱۹ میلادی کشف و حفاری شد. این اکتشافات زیربنای معبد را نمایان ساخت .

این معبد با زیر بنای چهار گوش خود، برخلاف نمونه‌های دیگر از مرمر ساخته شده و یک ورودی زیبا و تزئینی به حیاط بزرگ ساختمان داشته است. پلکان مرمری طبقه همکف را به بالکن‌های بلند و عظیمی متصل می‌کردند که کف آن در حدود ۸۰ متر در ۱۳۰ متر بوده است. ۱۲۷ ستون در این بنا به کار رفته بوده که ارتفاع آنها ۲۰ متر و با سرستون‌های ایونیک و کناره‌های کنده کاری شده بوده است. ستون‌ها در ردیف‌های منظم در کل محوطه به جز منطقه مرکزی- که محل قرار گیری خانه الهه بود- قرار گرفته بودند .

این معبد تعداد فراوانی از آثار هنری را در خود جا داده بود، از جمله ۴ مجسمه برنزی باستانی از قبیله آمازون که توسط بهترین هنرمندان دوران ساخته شده بودند. هنگامی که سنت پل به دیدن شهر آمده بود، معبد با ستون‌های طلایی و مجسمه های کوچک نقره ای و نقاشی‌های متعدد تزئین شده بود. هیچ شاهی مبنی بر وجود مجسمه آرتیمیس در مرکز معبد وجود ندارد، اما دلیلی هم برای وجود نداشتن آن در دست نیست .

مجسمه عظیم الجثه رودس در یونان

خدای خورشید - که به قولی در - (Helios) هلیوس غول رودس، نام تندیس است از داشته است و به همین دلیل به غول رودس معروف و رودی بندر شهر رودس در یونان، قرار از ساخته شدن، تنها ۵۶ سال پابرجا بود، از گشته است. این تندیس، علی‌رغم اینکه پس هفتگانه جهان اعلام شده است. بنا به گفته سوی غربیان به عنوان یکی از عجایب که بر روی زمین افتاده بود هم بسیار شگفت تاریخ‌نگاران این تندیس عظیم حتی در زمانی نبود بلکه نماد اتحاد مردم رودس به شمار انگیز بود. این غول تنها یک تندیس عظیم .میرفت

تاریخی خود، شامل ایالاتی با قدرت محدود بوده است. یونان باستان در بیشتر دوران و (Kamiro) ، کامیروس (Ialysos) یالیسوس جزیره رودس شامل سه ایالت میلاد، این شهرها با هم متحد شده و بوده است. در ۴۰۸ پیش از (Lindos) لیندوس آوردند. این شهر از نظر اقتصادی بسیار یک قلمرو با پایتخت واحد به نام رودس، به وجود سال ۳۰۵ قبل از میلاد آنتیگونی‌های پیشرفته بود و با مصر مراودات تجاری داشت. در تجاری را از بین ببرد مقدونیه، رودس را محاصره کرد تا این ارتباط

شهر نفوذ کنند و پس از امضای قرارداد صلح در سال آن‌ها هرگز موفق نشدند به داخل محاصره را ترک کردند و مقدار هنگفتی جنگ افزارهای ۳۰۴ قبل از میلاد، آنتیگونی‌ها رودس این غنایم را فروختند و به افتخار اتحاد خود، با پول گران‌بها گذاشتند. اهالی کردند. ساختن این تندیس ۱۲ سال طول کشید و در سال ۲۸۲ آن تندیس عظیم را بنا سالها این تندیس در ورودی بندر پابرجا بود تا زمین‌لرزه . قبل از میلاد به پایان رسید رساند و تندیس را از ضعیفترین بخش آن - زانوهای غول - شدیدی به شهر آسیب فراوان شکست

آن‌را به عهده گرفت اما یک پیشگو، عمل بازسازی را منحوس امپراتور مصر هزینه تعمیر امپراطور پذیرفته نشد. باقیمانده‌ی تندیس بیش از ۸۰۰ سال بر خواند و در نتیجه پیشنهاد اینکه عرب‌ها به فرماندهی معاویه پسر ابوسفیان، در سال ۶۵۴ پس از خاک افتاده بود تا رودس هجوم بردند. آن‌ها بقایای تندیس را از هم باز کردند و به یک میلاد مسیح به سوریه فروختند. گفته شده است که ۹۰۰ شتر این بار عظیم را به بازرگان یهودی اهل سوریه حمل کردند

دهنه بندر، تصور قرار گرفتن مجسمه با پاهای گشوده بر با توجه به ارتفاع تندیس و عرض به نظر می‌رسد و از آن جایی که تندیس پس از سقوط دو طرف ورودی بندر، غیر ممکن به نظر می‌رسد که تندیس یا بر روی سمت موجب گرفتگی مسیر بندرگاه نشده است، آنچه گفته می‌شود از آب دور بوده است. هر چه شرقی دماغه بنا شده بوده یا اصولاً بیش از . بر دو سمت ورودی بندر ایستاده بوده است، مسلم است که غول با پاهای گشوده

تندیس گر سپرده (Chares of Lindos) لندوس پروژه ساخت تندیس به چارز اهل برنزی روی تندیس را قالب ریزی میکردند. پایه شده بود. برای این کار، کارگران او قطعات ابتدا ساخته و محکم شده است. ساختار تندیس به تندیس از مرمر بوده و پاها تا مچ آن روی چهارچوبی از آهن و سنگ، پدیدار میشد. یک تدریج با قرار گرفتن قطعات برنز بر بخشهای بالایی تندیس، در اطراف آن ساخته خاکریز بلند برای دسترسی پیدا کردن به پایان ۳۳ متر ارتفاع داشت که بر روی شد که پس از پایان کار برجیده شد. تندیس در گفته می شود عده کمی می توانستند دو پایه های مرمرین به بلندی ۱۵ متر قرار گرفت کنند دست خود را بر دور انگشت شست او حلقه



اهرام مصر (هرم خوفو)

هرم خوفو بزرگترین هرم در بین اهرام مصره که از ۴۴۰۰ سال پیش تا سال ۱۸۸۹ میلادی که برج ایفل ساخته شد بلند ترین بنای دنیا بود. این بنا در ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده و ۱۴۳ متر ارتفاع داشته و به دستور خوفو یا خئوپوس فرعون سلسله چهارم ساخته شده.

بیشتر سنگهای بکار رفته در این بنا سنگهای بسیار عظیمی هستند که هنوزم جابجایی و حمل آنها تا ارتفاع بنا جزو اسرار و ناشناخته هاست. البته در اصل سنگهای روی بنا از سنگهای آهکی صیقلی بسیار زیبا بودن که در اثر مرور زمان از بین رفتن یا اینکه بعدها بوسیله فراغنه بعدی برای مقبره هاشون دزدیده شدن. برای همین امروزه ۵ درصد از ارتفاع بنا به دلیل نبود اون سنگها کم شده. هر ضلع قاعده هرم ۲۳۰ متر طول داره و در ساخت اون حدود ۲۳۰۰۰۰۰ قطعه بلوک به وزن تقریبی ۲/۵ تن استفاده شده

هرم خوفو دارای سه اتاق دفن اجساد و راهروهای متعدده که یکی از اتاقها مربوط به جسد خود خوفو یکی دیگه مربوط به ملکه و دیگری هم برای رد گم کردن دزدها بوده. و راهروهای طولانی و تاریک و پیچ در پیچش هم برای مقابله با دزدها تعبیه شده. هرم خوفو در بین عجایب هفتگانه بزرگترین و قدیمی ترین اونهاست.

فانوس الکساندریا

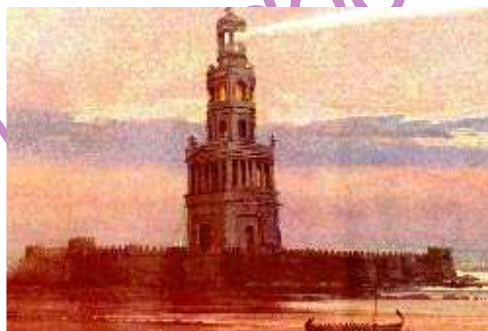
هفتمین اثر از عجایب هفتگانه ی جهان ، فانوس دریایی اسکندریه و در واقع هشتمین اثر عجیب است. پیش از آنکه این اثر ساخته شود ، دیوارهای شهر بابل به عنوان دومین اثر شگفتی زای جهان به شمار می آمد. به هر حال برج روشنایی دهانه ی رود نیل که ۱۳۰ متر ارتفاع داشت ، در نظر مردم عهد باستان چنان کار فنی استادانه و ماهرانه ای جلوه نمود که بی درنگ دیوارهای بابل را از فهرست هفتگانه ، حذف و برج را به عنوان آخرین و جوانترین عجایب هفتگانه ی دنیا وارد فهرست مذکور کردند. این برج تا امروز بلندترین برج روشنایی ساخته شده در جهان باقی مانده است.

یک سال پس از آنکه اسکندر کبیر مصر را تسخیر کرد و در پایتخت قدیمی مصر به نام « ممفیس » به عنوان فرعون مصر تاج بر سر نهاد — و اگر دقیقتر بگوییم — در ۱۶ آوریل سال ۳۳۱ پیش از میلاد ، این فرمانروای جوان که آن هنگام تازه ۲۵ سال سن داشت ، طی مراسم جشن و سروری ، چهار گوشه ای به ابعاد ۷×۳۰ استادیوم (۱۲۵۳×۵۳۷۰ متر) را با قدم ، اندازه گیری کرد. پشت سر او یک روحانی در جای قدمهای او آرد جو میپاشید . غیبگویی گفته بود که آرد جو ، التفات و کرامت خدایان را بر خواهد انگیخت و خواسته های شاه را متحقق خواهد کرد. زیرا در اینجا ، درست در غربی ترین نقطه ی دلتای نیل ، قرار بود « اسکندریه » ، اولین بنیان شهری به نام اسکندر (که بعدها باید شهرهای متعددی در خاور نزدیک از پی آن ساخته میشدند) تأسیس شود. شاه مقدونی میخواست با تأسیس اسکندریه فرهنگ و اقتصاد یونان را در مصر رواج دهد. این شهر باید یک مرکز تجارتی و بندر عمده و مهم میشد .



نقشه های شهر جدید را اسکندر خود طرح ریزی کرده بود. او مکان میدان اجتماعات و مرکز تجارت را خود انتخاب کرد. او حتی تعداد و محل معبدها را معین کرد و مشخص نمود که هر معبد باید ویژه ی کدام خدا باشد. و بالاخره او دستور داده بود که بر فراز یک صخره ی دریایی در کنار جزیره ی « فاروس » که در جلوی شهر اسکندریه قرار گرفته بود ، یک برج روشنایی بسازند که بزرگتر و بلندتر از تمام برجهای دریایی باشد که تا آن زمان ساخته شده بود .

اسکندریه آن شد که شاه به هنگام تأسیس آن با خود عهد کرده بود: طی مدت کوتاهی اسکندریه تبدیل به شهری شکوفا و پر رونق با ۶۰۰۰۰۰ تن جمعیت شد که اکثر آنها از مهاجران یونانی، مصریها و یهودیان بودند. اسکندریه مهمترین شهر در دریای مدیترانه شد. اسکندر خود به دیدار « فانوس دریایی » نائل نشد. او در سال ۳۲۳ پیش از میلاد درگذشت، و ۲۳ سال بعد ساختمان برج آغاز شد.

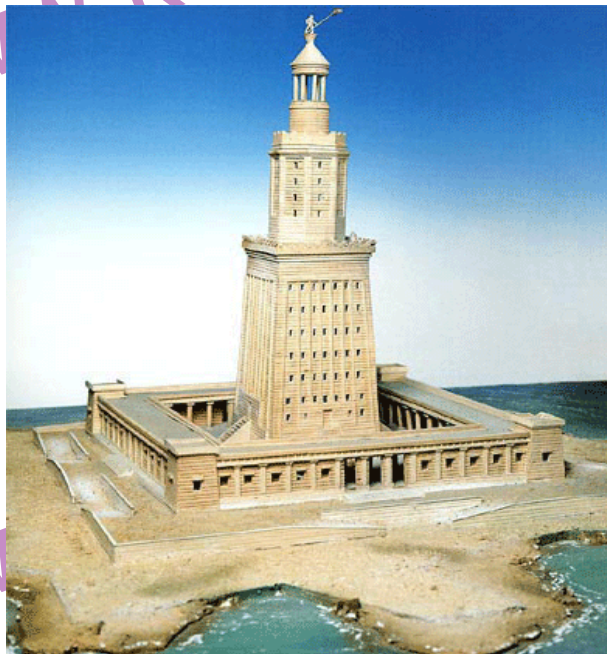


ایجاد برج، کار ساختمانی عظیمی بود: بر زیر بنایی به طول و عرض ۳۰×۳۰ متر ساختمان چهار گوشه ای با زاویه های قائم به ارتفاع ۷۱ متر که به سمت بالا، قطر آن کمی کاهش می یافت، برافراشته شد. بر روی سکوی فوقانی دومین بخش برج قرار داشت که ساختمانی هشت گوشه به ارتفاع ۳۴ متر بود. بر روی این قسمت باز ساختمانی استوانه ای قرار داشت که در آن تأسیسات روشنایی استقرار یافته بود. بر فراز این قسمت استوانه ای روی ستونهایی، سقفی گنبدی شکل قرار داشت و در قسمت انتهایی برج بر بالای گنبد مجسمه ی زئوس از ارتفاع ۱۳۰ متری به دریا مینگریست.

قسمت زیرین برج به ۱۴ طاق منحنی که همدیگر را می پوشانید، تقسیم میشد. به دور دیوارهای داخلی سطح شیب داری به طرف بالای برج امتداد داشت. این سطح دارای پهنایی بود که روی آن دو حیوان بارکش به راحتی میتوانستند پهلوئی هم بالا بروند. در میان برج تونلی وجود داشت که از زیرزمین تا اتاق تأسیسات روشنایی امتداد داشت. یک بالابر طنابی میتوانست مواد و تجهیزات را تا بالاترین طبقه ی برج حمل کند.

نمای خارجی برج از سنگ مرمر سفید بود. برای ساختمان برج حدود ۸۰۰ تالنت (معادل ۲۰۸۰۰ کیلوگرم نقره) هزینه شده بود.

برج اسکندریه احتمالاً مانند تمام نشانه های دریانوردی آن زمان در ابتدا به عنوان یک برج دریانوردی برای استفاده در «روز» ساخته شده بود. کشتیها در آن دوران، عصرها پیش از غروب آفتاب همه روزه بندری را می یافتند و در آن پهلو میگرفتند تا شبها بر روی آب نباشند.



به هر حال بندر اسکندریه خارج از انتظار و خیلی سریع شکوفا و پر رفت و آمد شد. در بندر داخلی که در دهانه ی رود نیل واقع میشد، غلات و انواع سبزی از دره ی پر بار نیل تخلیه میشد؛ در بندر رو به دریا کشتیهای بزرگ با انواع نوشیدنی از یونان، ادویه از شرق، فلز از اسپانیا و بسیاری اجناس بازرگانی دیگر از تمام دنیا پهلو میگرفتند و بارهای خود را تخلیه میکردند. آنها مسافر هم با خود می آوردند؛ دانشجویانی که در دانشگاه پیشرفته و نوپای اسکندریه میخواستند به تحصیل نجوم و فلسفه بپردازند؛ بیمارانی که سلامتی خود را از پزشکان معروف اهل اسکندریه طلب میکردند؛ سیاستمداران و بازرگانان و نیز

جهانگردانی که میخواستند شهر جدید کنار رود نیل را ببینند و آن را تحسین کنند ، نیز به آنجا می آمدند . از اسکندریه در آن زمان بیش از هر چیز دیگر ، شیشه ، پاپيروس (نوعی الیاف گیاهی که از آن کاغذ میساختند) و کتان صادر میشد .

چون ترافیک و تردد کشتیها در بندر اسکندریه پر حجم و پر تراکم شد ، کشتیها می بایست در شب نیز وارد بندر میشدند و پهلو میگرفتند و یا اینکه از بندر خارج و بادبان میکشیدند. برای این منظور یک تأسیسات روشنایی قوی در برج ایجاد شد که در آن صمغ درخت و روغن سوزانیده میشد. چوب ، گران بود و باید وارد میشد و فقط برای ساخت خانه و کشتی از آن استفاده میشد. این تأسیسات روشنایی ، نخستین تأسیسات هدایت نوری در تاریخ کشتیرانی و دریانوردی بود. بنابراین برج اسکندریه به معنای واقعی نخستین « برج روشنایی » بود که پدید آمد .

نور ایجاد شده را آینه ی مقعری باز می تاباند. گفته میشود این نور آنقدر قوی بوده است که انسان میتواند آن را مثلاً « تا انتهای جهان! » ببیند. این نورافکن قوی نیز به همراه ساختمان عظیم برج ، یکی از دلایلی بوده است که فانوس دریایی را بلافاصله پس از اتمام ساختمان آن در سال ۲۷۹ پیش از میلاد ، جزو عجایب هفتگانه ی جهان قرار داده است .

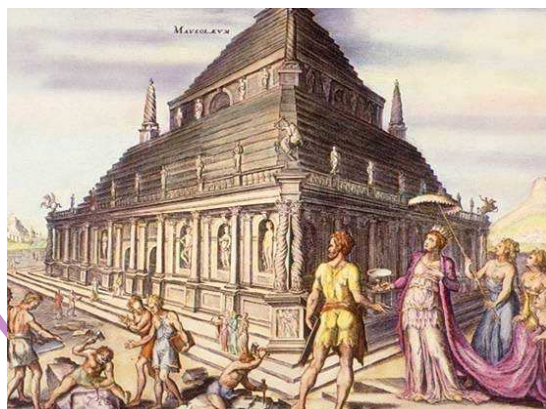
فانوس دریایی اسکندریه حدود ۱۰۰۰ سال در کشاکش جنگها سالم و دست نخورده باقی ماند ، سپس این ساختمان هم به سرنوشت برخی از عجایب هفتگانه ی دیگر دچار شد: در سال ۷۹۶ میلادی این برج در اثر زلزله در هم فرو ریخت. تلاشهای اعراب برای بازسازی و نوسازی برج ، بیحاصل ماند. در سال ۱۴۷۷ میلادی « کیت بی » یکی از سلاطین سلسله ی ممالیک مصر بر روی زیر بنای برج قلعه ای ساخت که امروزه هنوز هم پابرجاست و نام سازنده ی خود را دارد .

چون قبل از برج اسکندریه هنوز برج روشنایی به وجود نیامده بود و به همین دلیل نیز نامی برای چنین ساختمانی وجود نداشت ، این برج به سادگی بر اساس محل ساختمان برج « فاروس » نامیده شد. این نام بعدها در تمام زبانهایی که ریشه ی لاتین داشتند به

صورت واژه ای متداول در آمد. برج روشنایی به زبان لاتین **Pharus**، به زبان ایتالیایی و اسپانیایی **Faro**، به زبان فرانسوی **Phare** و به زبان پرتغالی **Farol** خوانده میشود. بنابراین از هفتمین اثر عظیم و غول آسای عجایب هفتگانه جهان تنها یک « واژه » باقی مانده است.

بر روی زیر بنای فانوس دریایی اسکندریه که بر اثر زلزله فرو ریخت، سلطان ترک سلیمان قانونی (۱۵۲۰ - ۱۵۶۶ میلادی) قلعه ی بندری « کیت بی » را بنا نهاد که تا امروز نیز پای بر جا مانده است.

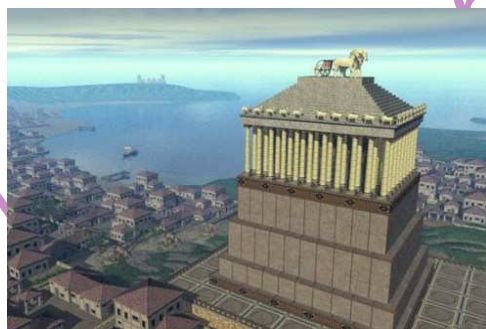
مقبره هالیکارناسوس



"آرامگاه هالیکارناسوس" از دیگر مواردی است که این بلاگر معرفی کرده و درباره ی آن نوشته است: این آرامگاه واقع در بودروم ترکیه که در زمان های قدیم هالیکارناسوس نام داشت، واقع بوده است. زمانی که ایرانیان حکومت خود را تا میان رودان، هند شمالی، سوریه، مصر و آسیای کوچک گسترش داده بودند، با توجه به گستردگی مملکت، یک شاه بدون کمک حکام محلی قادر به سر و سامان دادن حکومت خود نبود.

سرزمین کاریا واقع در غرب آسیای کوچک (آناتولی) به قدری از پایدخت دور بود که به نوعی مستقل و خودگردان به شمار می آمد. در طی سالهای ۳۷۷ تا ۳۵۳ پیش از میلاد،

شاهی ایرانی به نام ماسول (Mausollos) بر این منطقه حکومت می کرد و پایتخت خود را به هالیکارناسوس منتقل کرد. در زندگی این شاه هیچ نکته مهمی به غیر از بنا کردن آرامگاه خودش وجود ندارد. ایده این پروژه توسط همسر و خواهر شاه، آرتمیسیا به وجود آمد. این بنا در حدود سال ۳۵۰ پیش از میلاد، سه سال پس از مرگ شاه و یک سال پس از مرگ آرتمیسیا، تکمیل شد.



به مدت ۱۶ سده، آرامگاه در شرایط خوبی برجا ماند تا یک زمین لرزه موجب آسیب دیدن سقف و ستون های آن شد. در اوایل سده ۱۵ میلادی، شهسواران سنت جان از مالت، این ناحیه را اشغال کرده و از سنگ های آرامگاه برای ساختن یک دژ نظامی استفاده کردند. این دژ عظیم هم چنان پایرجاست و سنگ های براق و مرمرهای آرامگاه را در میان دیوارهای آن می توان بازشناخت. شماری از تندیس های موجود در آرامگاه اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می شوند.

پژوهش های باستان شناسی و شرح مفصل و پر جزئیات تاریخ نگاران باستانی تصویر روشنی از این آرامگاه به دست داده است.

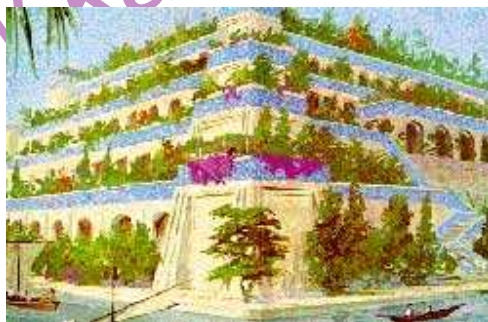
بنا دارای زیربنای چهارگوشی به ابعاد ۳۰ در ۴۰ متر بوده و جایگاه ویژه سلطنتی پلکان دار که زوایای آن با تندیس هایی تزئین شده، بر روی آن قرار گرفته بوده است. اتاق آرامگاه و تابوت مرمرین با طلا تزئین شده و با ستون های ایونی محاصره شده بوده است. سقف هرمی شکل مزین به تندیس های متعدد بر روی ردیف ستون ها قرار داشته است. نوک این آرامگاه با تندیس یک ارابه که توسط چهار اسب کشیده می شد، آراسته شده بوه است.

ارتفاع کلی این آرامگاه حدود 45 متر محاسبه شده که از این مقدار، ۲۰ متر مربوط به جایگاه ویژه، ۱۲ متر برای ستون‌ها، ۷ متر سقف هرمی و ۶ متر مربوط به تندیس ارابه بوده است. زیبایی این آرامگاه نه تنها به خاطر خود بنا که به دلیل وجود تندیس‌هایی است که طبقات گوناگون آنرا آراسته‌اند. در میان این تندیس‌ها، ده‌ها تندیس در اندازه طبیعی و همچنین بسیار کوچکتر و بزرگتر، از انسان، شیر، اسب و حیوانات دیگر به چشم می‌خورد. چهار هنرمند برجسته دوران، بریاکسیس **Bryaxis**، لئوکارس **Leochares**، اسکوپاس **Scopas** و تیموتئوس **Timotheus**، چهار طرف این بنا را تزئین کرده‌اند. آرامگاه هالیکارناسوس به دلیل اینکه به خدایان یونان قدیم تقدیم نشده، جایگاه بسیار ویژه‌ای در تاریخ دارد.

باغهای معلق بابل در عراق

در این نوشته با "باغهای معلق بابل در عراق" هم آشنا می‌شوید و در این خصوص می‌خوانید: باغهای معلق بابل، باغ‌هایی تاریخی بودند که گفته می‌شود حدود ۶۰۰ ق.م در شهر بابل (عراق امروزی) ساخته شده بودند. باغهای معلق بابل جزو عجایب هفت‌گانه جهان به شمار می‌آیند.

این باغ‌ها بنا به نظر بسیاری از تاریخ‌دانان و پژوهندگان توسط نبوکدنصر (Nebuchadnezzar) شاه بابل در سده ۶۰۰ پیش از میلاد برای همسر ایرانی‌اش امتیس (دختر شاه ماد) ساخته شده است. با توجه به منابع مکتوب یونانی، باغهای معلق دارای چنین مشخصاتی بوده‌اند:



"باغ‌ها مربع شکل بوده و دارای گنبد‌های قوسی شکلی بوده که بر روی کف شطرنجی مکعبی شکلی قرار داشته است. ایوانی که دور بام ایجاد شده بود، توسط پلکان با پایین مرتبط شده است. باغ‌های معلق از گیاهانی که بالاتر از سطح زمین کاشته شده بودند، ایجاد شده و ریشه گیاهان و درختان به جای کاشته شدن در زمین، در کف ایوان‌ها جاسازی شده بودند. تمام این مجموعه بر روی ستون‌هایی قرار داشت و آب از طریق وسایل بالا برنده در کانال‌های شیب دار ریخته و در کل باغ جریان می‌گرفت. آبیاری گیاهان و رطوبت موجود در فضا از همین آب بود. در واقع این بنا با چمن همیشه سبز و درختان محکم‌ش، کاری هنری و تجملی شاهانه بود. یکی از جالب‌ترین جنبه‌های بنا، این بود که کار باغبانی و کشاورزی در بالای سر بیننده انجام می‌شد."



بیشترین اطلاعات درباره باغ‌های معلق مربوط به مورخان یونانی است و جالب این‌که در کتیبه‌های بابل، هیچ اشاره‌ای به این باغ‌ها نشده است، در حالی که توضیح مفصل قصر و شهر بابل در آن‌ها وجود دارد. بنابه نظر تاریخ‌نگاران امروز، باغ‌های بابل محصول تخیل شعرا و تاریخ‌نگارانی است که شرح بابل را از زبان سربازان اسکندر شنیده و به آن شاخ و برگ‌های شاعرانه داده‌اند .

در قرن بیستم بعضی از اسرار باغ‌های معلق فاش شده است، زیرا باستان‌شناسان در حفاری‌های خود در محل شهر باستانی بابل در عراق امروز، زیر بنای این باغ‌ها را یافته‌اند و یک کشف دیگر مربوط به بنای طاق و گنبد دار اصلی است، که شامل دیوارهای ضخیم و یک چاه آبیاری در نزدیکی قصر جنوبی بوده است. گروهی از باستان‌شناسان منطقه قصر جنوبی را نقشه برداری کرده و ساختمان طاق دار اصلی را بازسازی کرده‌اند .



عجایب هفت گانه - معبد آرتامیس



Artemis / Diana شده از معبد نقاشی بازسازی

ازمیر در حدود ۵۰ کیلومتری شهر (Ephesus) معبد آرتامیس در شهر افه سوس شناخته ترکیه قرار داشته است. این معبد به عنوان زیباترین بنای روی زمین (Izmir) می شده است و به همین دلیل در میان عجایب هفت گانه جا دارد

قبل از میلاد هرچند که زیربنای باقی مانده از این معبد تاریخ ساخت آنرا قرن هفتم حدود ۵۵۰ مشخص میکند، اما راه یافتن معبد آرتیمیس در فهرست عجایب هفت گانه به توسط قبل از میلاد مربوط میشود. این بنا که به آن معبد بزرگ مرمرین گفته میشود، معمار یونانی سفارش (Chersiphron) شاه لیدی به کرسیفون (Croesus) کروسوس شد. معبد با مجسمه های برنزی که توسط ماهرترین مجسمه سازان آن زمان ساخته داده ، پلی کلیتوس (Pheidias) تزئین شده بود. هنرمندانی نظیر فیدیاس شده بودند (Phradmon) و فرادمون (Kresilas) کرسیلاس، (Polycleitus).

داد و ستد کالا و هم به عنوان آموزشگاه مذهبی معبد آرتیمیس هم به عنوان یک محل سالها، بازرگانان، جهانگردان، صنعتگران و پادشاهان از مورد استفاده قرار میگرفت. در طی احترام خود را با آوردن هدایای مختلف ابراز می نمودند. این محل مقدس دیدن میکردند و به یافتن تعدادی از این هدایا که شامل مجسمه های طلا و تحقیقات اخیر باستان شناسی دستبندها و گردنبندهایی زیبا اثر صنعتگران پارس و هند عاج آرتیمیس، گوشواره ها، هستند منجر شده است.



بقایای معبد آرتیمیس

(Herostratus) در شب ۲۱ جولای سال ۳۵۶ قبل از میلاد، مردی به نام هروستراتوس خود دست یافت. برای جاودانه کردن نام خود در تاریخ، معبد را آتش زد و درواقع به هدف (Plutarch) عجیب اینکه اسکندر کبیر هم در همین شب متولد شد. بنا به گفته پلوتارک که نتوانست تاریخ نگار، در آن شب آرتیمیس چنان درگیر مراقبت از زاده شدن اسکندر بود از معبد خود محافظت کند.

ساخت مجدد معبد کرد که تا بعد از مرگ وی اسکندر پس از فتح آسیای صغیر اقدام به ساختمان بود. در قرن اول پس از میلاد، در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، همچنان در دست سوس سفر کرد، با عده زیادی از پیروان هنگامی که سنت پل برای تبلیغ مسیحیت به افه خود را نداشتند. در سال ۲۶۲ میلادی آرتمیسیس مواجه شد که به هیچ وجه قصد ترک الهه شهر قسم خوردند تا آنها مجددا بنا مجددا ویران شد. اهالی Goths معبد توسط قبیله گوت به مسیحیت گرویده بودند و معبد کنند. در قرن چهارم میلادی، بیشتر اهالی افه سوس پس از آخرین تهاجم منجر به شکوه و جلال خود را از دست داده بود. اهالی افه سوس و این شهر متروک در اواخر ویرانی معبد در سال ۴۰۱ میلادی، کم کم شهر را ترک کردند را نمایان ساخت قرن ۱۹ میلادی کشف و حفاری شد. این اکتشافات زیربنای معبد

شرح کوتاهی از بنا



بقایای معبد آرتمیسیس مرمر ساخته شده و یک این معبد با زیر بنای چهار گوش خود، برخلاف نمونه های دیگر از مرمری طبقه همکف را ورودی زیبا و تزئینی به حیاط بزرگ ساختمان داشته است. پلکان در ۱۳۰ متر بوده به بالکن های بلند و عظیمی متصل میکردند که کف آن در حدود ۸۰ متر با سرستونهای است. ۱۲۷ ستون در این بنا به کار رفته بوده که ارتفاع آنها ۲۰ متر و در کل محوطه ایونیک و کناره های کنده کاری شده بوده است. ستونها در ردیفهای منظم به جز منطقه مرکزی- که محل قرار گیری خانه الهه بود- قرار گرفته بودند

مجسمه برنزی 4 این معبد تعداد فراوانی از آثار هنری را در خود جا داده بود، از جمله بودند. هنگامی که باستانی از قبیله آمازون که توسط بهترین هنرمندان دوران ساخته شده کوچک نفره ای سنت پل به دیدن شهر آمده بود، معبد با ستونهای طلایی و مجسمه های

آرتمیس در و نقاشی های متعدد تزئین شده بود. هیچ شاهدهی مبنی بر وجود مجسمه ادامه دارد). مرکز معبد وجود ندارد اما دلیلی هم برای وجود نداشتن آن در دست نیست ...)

فانوس دریایی اسکندریه هفتمین عجایب جهان در باز هم در مصر بود. برجی که بر فراز آتشی بود تا شبها راهنمای ناخدایان برای رسیدن به بندر اسکندریه باشد. این برج در آن جزیره کوچک فارو بنا شده بود و از همین جاست که کلمه فار به معنای چراغ دریایی را در این نوع ساختمانها که چراغ راهنمایی برای کشتی است بکار میبرند. برج دریایی اسکندریه در زمان سلطنت جانشین اسکندر یعنی بطلمیوس دوم ۳۰۷ - ۲۴۷ قبل از وسیله معماری به نام سوسترات ساخته شد. آنچه که تاریخ در باره ارتفاع برج میلاد به است باور کردنی نیست. یونانی ها میگویند در حدود ۲۷۲ متر ارتفاع داشته، ذکر کرده که ۱۰ قرن بعد توانستند قدم به مصر گذارند گفته اند ارتفاع خرابه برج به ۱۶ ولی اعراب میرسد این برج روی پایه ای چهار گوش که ۶۹ متر ارتفاع آن بوده از دیواری ۸ ضلعی متر متری بالا رفته است که برج ۹ متری دیگر روی آن بنا شده بود که بر فراز برج اخیر 38 و فانوس دریایی پرتو افکن بود. این برج تا قرن ۱۲ راهنمایی کشتی ها بود ولی در سال میلادی بر اثر زلزله شدیدی که در اسکندریه و سایر نقاط اطراف آن روی داد از 1375 agar br dastetan resid بین رفت و چیزی هم از خرابه های آن در دست نیست - khabaram konid

[مهدی هدایتی فر](#), September 13, 2005

را برای من ارسال کنید. با لطفا تمامی عکسها و نوشته های موجود از عجایب هفت گانه -

تشکر

[syavash](#), September 12, 2005

Artemis / Diana معبد عجایب هفت گانه - معبد آرتمیس نقاشی بازسازی شده از - شهر ازمیر در حدود ۵۰ کیلومتری (Ephesus) معبد آرتمیس در شهر افه سوس شناخته ترکیه قرار داشته است. این معبد به عنوان زیباترین بنای روی زمین (Izmir) زیربنای می شده است و به همین دلیل در میان عجایب هفت گانه جا دارد. هرچند که اما راه باقی مانده از این معبد تاریخ ساخت آنرا قرن هفتم قبل از میلاد مشخص میکند،

یافتن معبد آرتامیس در فهرست عجایب هفت گانه به حدود ۵۵۰ قبل از میلاد مربوط (Croesus) میشود. این بنا که به آن معبد بزرگ مرمرین گفته میشود، توسط کروسوس معمار یونانی سفارش داده شد. معبد با مجسمه (Chersiphron) لیدی به کرسیفون شاه برنزی که توسط ماهرترین مجسمه سازان آن زمان ساخته شده بودند تزئین شده بود های ، کرسیلاس (Polycleitus) ، پلی کلیتوس (Pheidias) هنرمندانی نظیر فیدیاس معبد آرتامیس هم به عنوان یک محل داد و (Phradmon) فرادمون و (Kresilas) آموزشگاه مذهبی مورد استفاده قرار میگرفت. در طی سالها، ستد کالا و هم به عنوان صنعتگران و پادشاهان از این محل مقدس دیدن میکردند و احترام بازرگانان، جهانگردان، مختلف ابراز می نمودند. تحقیقات اخیر باستان شناسی به یافتن خود را با آوردن هدایای شامل مجسمه های طلا و عاج آرتامیس، گوشواره ها، دستبندها و تعدادی از این هدایا که صنعتگران پارس و هند هستند منجر شده است. بقایای معبد گردنبندهایی زیبا اثر قبل از میلاد، مردی به نام هروستراتوس 356 آرتامیس در شب ۲۱ جولای سال در تاریخ، معبد را آتش زد و درواقع به برای جاودانه کردن نام خود (Herostratus) در همین شب متولد شد. بنا به هدف خود دست یافت. عجیب اینکه اسکندر کبیر هم چنان درگیر مراقبت از زاده تاریخ نگار، در آن شب آرتامیس (Plutarch) گفته پلوتارک اسکندر پس از فتح آسیای .شدن اسکندر بود که نتوانست از معبد خود محافظت کند سال ۳۲۳ قبل از میلاد، صغیر اقدام به ساخت مجدد معبد کرد که تا بعد از مرگ وی در که سنت پل برای همچنان در دست ساختمان بود. در قرن اول پس از میلاد، هنگامی مواجه شد که به تبلیغ مسیحیت به افه سوس سفر کرد، با عده زیادی از پیروان آرتامیس قبیله گوت هیچ وجه قصد ترک الهه خود را نداشتند. در سال ۲۶۲ میلادی معبد توسط قرن چهارم مجددا ویران شد. اهالی شهر قسم خوردند تا آنرا مجددا بنا کنند. در Goths خود را از میلادی، بیشتر اهالی افه سوس به مسیحیت گرویده بودند و معبد شکوه و جلال سال ۴۰۱ دست داده بود. اهالی افه سوس پس از آخرین تهاجم منجر به ویرانی معبد در کشف و میلادی، کم کم شهر را ترک کردند و این شهر متروک در اواخر قرن ۱۹ میلادی بقایای معبد حفاری شد. این اکتشافات زیربنای معبد را نمایان ساخت. شرح کوتاهی از بنا مرمر ساخته آرتامیس این معبد با زیر بنای چهار گوش خود، برخلاف نمونه های دیگر از مرمری شده و یک ورودی زیبا و تزئینی به حیاط بزرگ ساختمان داشته است. پلکان

طبقه همکف را به بالکن هایبلند و عظیمی متصل میکردند که کف آن در حدود ۸۰ متر با در ۱۳۰ متر بوده است. ۱۲۷ ستون در این بنا به کار رفته بوده که ارتفاع آنها ۲۰ متر و در سرستونهای ایونیک و کناره های کنده کاری شده بوده است. ستونها در ردیفهای منظم کل محوطه به جز منطقه مرکزی- که محل قرار گیری خانه الهه بود- قرار گرفته بودند این معبد تعداد فراوانی از آثار هنری را در خود جا داده بود، از جمله ۴ مجسمه برنزی باستانی از قبيله آمازون که توسط بهترین هنرمندان دوران ساخته شده بودند. هنگامی که سنت پل به دیدن شهر آمده بود، معبد با ستونهای طلایی و مجسمه های کوچک نقره ای نقاشی های متعدد تزئین شده بود. هیچ شاهدهی مبنی بر وجود مجسمه آرتمیس در و وجود ندارد اما دلیلی هم برای وجود نداشتن آن در دست نیست مرکز معبد

عجائب هفتگانه دنیا عبارت از بناهای تاریخی میباشد که از جمله هنر معماری عصر باستان به پیشگامی بابل ، و مصر و یونان و روم است و آنها عبارت اند از :

۱- **اهرام مصر** : این اثر تنها اثر باقیمانده از عجائب هفتگانه عالم میباشد که هنوز هم همچنان پا بر جا و استوار باقی مانده است، این آثار که در حیزه در ساحل غربی رود نیل و نزدیک قاهره جای دارند در ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد به عنوان آرامگاه شاهان مصر ساخته شدند ، سه هرم از اهرام مصر بنام های خوفو ، خفرع و منکورع در ردیف اول عجائب هفتگانه جای دارند . هرم خوفو توده یکپارچه سختی است که از پاره سنگهای آهکی در زمینی به وسعت حدود ۵۱۵۰۰ متر مربع بنا شده و ارتفاع آن به ۱۳۸ متر میرسد . در ساختمان این هرم حدود ۳/۲ میلیون پاره سنگ بزرگ به کار رفته و حدود یک صد هزار کارگر به مدت ۲۰ سال روی آن کار کرده اند.

۲- **باغ های معلقه بابل** : بنای مزبور که از خشت و سنگ ساخته شده بود در ارتفاعی برابر با بیست و سه متر بالاتر از سطح زمین قرار داشت و به وسیله پمپ ها آب رود فرات را برای آبیاری باغ های آن به بالا میبردند . باغ های مزبور احتمالاً به وسیله بخت نصر دوم

برای همسرش سمیرا میس در حدود سال ۶۰۰ قبل از میلاد ساخته شده بود. دیوار های شهر بابل هم که از خشت های لعابی ساخته شده بود از نظر بعضی مورخین جز عجائب هفتگانه به شمار می آید.

۳- **برج نور در اسکندریه**: ارتفاع این بنا که در حدود ۲۷۰ سال قبل از میلاد و در زمان سلطنت بطلمیوس دوم ، به وسیله معماری یونانی به نام سوستراتوس ساخته شد ، بین ۶۱ متر تا ۱۸۵ متر بوده است.

۴- **کولوسوس رودس**: مجسمه برنزی عظیمی بود از خدای آفتاب به نام هلیوس ، برای ساختن این مجسمه ، خارس مجسمه ساز یونانی دوازده سال کار کرد و در سال های بین ۲۹۲ تا ۲۸۰ پیش از میلاد در بندر رودس نصب گردید . مجسمه مزبور در زمین لرزه سال ۲۲۴ قبل از میلاد سرنگون شد.

۵- **معبد آرتمیس در افسوس**: معبد آرتمیس در افسوس یا معبد دیانا ، بزرگترین معبد عصر باستان بود که در حدود سال ۵۵۰ پیش از میلاد ساخته شد. سراسر معبد غیر از کتیبه های آن از مرمر بود و سقفی از چوب آن را می پوشانید . پرستشگاه مزبور که در شهر افسوس و برای آرتمیس ساخته شده بود ، در شب تولد اسکندر مقدونی به وسیله یکی از اهالی افسوس آتش زده شد و بعدها به دست اسکندر بازسازی گردید . پس از استیلای رومیان بر شهر افسوس به معبد دیانا موسوم شد و در ۲۶۲ میلادی به وسیله گوتها ویران گردید.

۶- **موسولئوم هالیکارناس**: آرامگاه مرمرینی بود در جنوب خاوری آسیای صغیر که به فرمان آرتمیسیا برای شوهرش ماوسولوس که در حدود ۲۵۳ پیش از میلاد وفات یافته ساخته شد. ارتفاع گنبد آن حدود ۴۱ متر بود و در قسمت بالائی آن تندیس مرمرین از اربه ای قرار داشت که به وسیله چهار اسب کشیده میشد .

۷- **مجسمه زئوس**: مجسمه ای بود نشسته بر تخت از زئوس خدای خدایان که به وسیله فیدياس در ۴۵۷ قبل از میلاد ساخته شده بود . بدن این مجسمه از عاج مزین به طلا بود و حدود ۱۲ متر ارتفاع داشت.

برج دریائی اسکندریه


هفتمین عجایب هفتگانه جهان در مصر بود. این برج در جزیره کوچک فارو بنا شده بود.

برج دریائی اسکندریه در زمان سلطنت جانشین اسکندر، یعنی بطلمیوس دوم (۲۴۷-۳۰۴ قبل از میلاد) بوسیله معماری بنام سوسترات ساخته شد.

این برج روی پایه‌ای چهارگوش که ۶۹ متر ارتفاع آن بوده از دیواری ۸ ضلعی و ۳۸ متری بالارفته است که برج ۹ متری دیگری روی آن بنا شده است که برفراز برج اخیر فانوس دریائی پرتو افکن بود. فانوس دریائی اسکندریه برفراز برج عظیم آن روشن بوده و این برج تا قرن دوازدهم جایگاه فانوس دریائی بوده است. در سال ۱۳۷۵ میلادی بر اثر زلزله شدیدی که در اسکندریه و سایر نقاط اطراف آن روی داد، برج دریائی اسکندریه زیر و رو شد و از خرابه‌های آن هم چیزی به دست نیامد.

ساعت ۴:۴۷ صبح :::: 21/8/1383 حسین :::: پنجشنبه

[نظر نظرات دیگران: ۱](#)

(هفتگانه دنیای قدیم (۶ عجائب 

مجسمه رودس

این مجسمه گول‌پیکر قریب ۴۰ متر ارتفاع داشت، ولی متأسفانه عمر این مجسمه از ۵۶ سال تجاوز نکرد زیرا بر اثر زلزله بر زمین افتاد.

می‌گویند پس از هجوم اعراب و فتح جزیره رودس، خرده‌های مجسمه را به یک نفر یهودی فروختند که برای حمل تکه‌های آن ۹۰۰ شتر کرایه کرد.

ساعت ۴:۴۶ صبح 21/8/1383::: حسین :::: پنجشنبه

[نظر نظرات دیگران: ۰](#)

 (هفتگانه دنیای قدیم (۵ عجائب

مقبره موزول

این بنای چهارگوش ۱۴۰ متر محیط داشت که ستون بندی شده بود و سقفش هرمی شکل بود که در راس آن کالسکه پیروزی با چهار اسب حامل شاه و ملکه بود. این بنا در حدود چهل یا پنجاه متر ارتفاع داشت. مقبره موزول پس از حمله بربرها و اعراب هنوز برجا مانده بود، ولی نجیب‌زادگان و سواران سن‌ژان آن را خراب کردند تا سنگ‌هایش را برای ساختن استحکامات و برج و بارو به کار ببرند.
